

بخواهم لطف میکنم و هر کس را هم که بخواهم ذلت میدهم، از یعقوب جانبداری کردم زیرا از او خوشم می‌آمد، و برادرش عیسو را زیر دست او قرار دادم زیرا از او متنفر بودم، و وای بر کسی که از من دلیل بخواهد زیرا که مگر کوزه از کوزه‌گر میپرسد که چرا مرا چنین ساختی؟ (تورات، سفر خروج)، و جای دیگر بشنوند که: ای آدم، تو کیستی که در کار خداوند فضولی کنی و از او پرسی که چرا چنین کردی و چرا چنان نکردی؟ تو کیستی که از خدا جواب می‌خواهی؟ (انجیل، رساله پائولوس به رومیان)، و باز جای دیگر از خود همین خدا بشنوند که: خداوند هر کس را که بخواهد هدایت میکند و هر کس را نیز که بخواهد در گمراهی نگاه میدارد، هر کس را که بخواهد عزیز میکند و هر کس را هم که بخواهد ذلیل میکند، به هر کس که بخواهد همه چیز میدهد و از هر کس که بخواهد همه چیز را میگیرد، هر که را که بخواهد مسلمان کند دلش را به اسلام مایل میکند و هر کس را که بخواهد کافر نگاه دارد از پذیرفتن ایمان باز میدارد، و بعضی را بر بعضی دیگر برتری میدهد تا عده‌ای بتوانند عده دیگر را به خدمت خود گیرند، و چنین است کار خدا که هر آنچه خواسته باشد میکند، و در کرده او چون و چرا نمیتوان کرد (قرآن، بترتیب سوره‌های ابراهیم، آل عمران، انعام، زخرف، انبیاء).

و باز از خود میپرسد که چرا باید حکومت مطلقه این خدا بسیار بیشتر از آنکه از عظوفت و محبتی نشان داشته باشد که برازنده آفریدگار است بر ترس و ارعابی متکی باشد که عادات دیکتاتورهای روی زمین بر آن تکیه میکنند؟ چرا باید این خدا از بندگان خود عبودیت مطلق بطلبد و بابت کمترین سرپیچی از این عبودیت بدانان نهیب آتش سوزان و مار و عقرب و تازیانه دوزخ در دهد؟ و چرا باید برای تسجیل این عبودیت بدانان عقده گناه تزیق کند تا همواره بابت خطائی که پدر و مادرشان در باغ بهشت مرتکب شده‌اند بدهکار او باشند؟ و چرا باید خدائی که منطقا در حد اعلائی بی نیازی است مانند بسیاری از زمامداران زمینی متوقع آن باشد که تملقش را بگویند تا مستحق صلّه شوند، و برایش گنبد و بارگاه سازند تا از او پروانه رفتن به بهشت بگیرند؟ و چرا باید برآورده شدن حاجات خود را نه در رفتن پاکدلانه به راه او، بلکه در شفاعت کاهنان یا قدیسان یا امامان و امامزادگان به درگاه او بجویند؟